

نشر اسکناس‌های نامتعارف در ایران

نشر اسکناس‌های آلمانی در ایران

بررسی پروژه‌های نظامی دکتر نیدر مایر در غرب کشور

دکتر علی شرقی، اقتصاددان و پژوهشگر



دکتر اسکار نیدر مایر در لباس کردهای بختیاری

فعالیت‌های امنیتی خارج از کشور ارتش آلمان بود و همینطور یک مشاور بانک دولتی آلمان (Deutsche Bank) و همچنین یک شرکت صرافی بزرگ آلمان مقیم بغداد، اعضای کمیته نشر اسکناس در ایران شدند و کار سورشارژ اسکناس‌ها به زبان فارسی را آغاز نمودند و چاپ آن را نیز به شرکت چاپخانه دولتی آلمان در شهر برلین واگذار کردند.

در آن زمان که دوران پادشاهی احمد شاه قاجار بود، کشور ما بسیار ضعیف بود و از نظر مالی نیز حساب و کتابی نداشت، بانک مرکزی هم هنوز در ایران بوجود نیامده بود. بنابراین، به راحتی امکان پذیر بود که یک دولت خارجی اسکناس‌های خود را با سورشارژ فارسی در کشور به جریان گذارد.

برای اینکه مبنایی جهت تبدیل ارزش مارک آلمان به قران ایران پیدا شود، کمیته فوق‌الذکر تصمیم گرفت که یک مارک آلمان را معادل ۲/۵ قران محاسبه کند، هر چند که ارزش مارک شاید کمی بیشتر از این بود، ولی نرخ ۲/۵ قران شاید برای سهولت کار تعیین شد، البته هنوز مارک امپراتوری آلمان سقوط نکرده بود.

اسکناس‌هایی که به شرح فوق برای انتشار در ایران سورشارژ شدند، در پنج رقم به شرح زیر می‌باشد:

۵ مارک	معادل	۱۲/۵ قران
۱۰ مارک	معادل	۲۵ قران
۲۰ مارک	معادل	۵ تومان
۱۰۰ مارک	معادل	۲۵ تومان
۱۰۰۰ مارک	معادل	۲۵۰ تومان

تا آنجا که ما اطلاع داریم، اول اسکناس‌های ۲۰، ۱۰۰ و ۱۰۰۰ مارکی را سورشارژ نمودند، ولی در عمل دریافتند که اسکناس‌های ۱۰۰۰ مارکی (۲۵۰ تومانی) و ۱۰۰ مارکی (۲۵ تومانی) به علت ارزش بالای آن‌ها اصولاً کاربردی ندارند و باید ارقام ریزتری را در جریان گذاشت. از این جهت، یکی دو ماه بعد ارقام ریزتر، یعنی ۵ مارکی (۱۲/۵ قران) و ۱۰ مارکی (۲۵ قران) را در جریان قرار دادند. بنابراین، اراقمی که در ایران مورد مصرف قرار گرفت، عبارت بود از: ۱۲/۵ قران، ۲۵ قران و پنج تومان و قطعات ۲۵ و ۲۵۰ تومانی به عنوان نمونه رسمی در خزانه‌داری آلمان باقی ماند و امروز نیز در موزه برلین نگهداری می‌شود. این اسکناس‌ها در واقع رقیب اسکناس‌های بانک شاهی که یک بانک ۱۰۰ درصد انگلیسی

در اوایل دوره جنگ جهانی اول و تسلط روس‌ها در شمال و انگلیس‌ها در جنوب کشورمان، دولت آلمان نیز به این اندیشه افتاد که با ایجاد منطقه نفوذ در غرب ایران و باز کردن کانال نفوذی برای خود در مرکز و شرق کشور، بتواند دولت هند را که مرکز اصلی قدرت مالی و تهیه سرباز برای انگلیسی‌ها بود، تحت فشار قرار دهد. در همین حال، گروهی از مخالفان دولت مرکزی ایران نیز به کرمانشاه مهاجرت نمودند و کمیته‌ای را برای مبارزه تشکیل داده بودند. این کمیته که از بعضی از رجال مشهور تشکیل شده بود، موفق گردید که در کرمانشاه هسته مقاومتی را بوجود آورد و در عین حال، گوشه چشمی نیز به امپراتوری آلمان برای کمک‌های مالی و نظامی داشته باشد. مقامات نظامی آلمان نیز از این موقعیت آگاه بودند و تصمیم گرفتند که از این طریق نفوذ نظامی خود را آغاز کنند.

امپراتوری آلمان برای باز کردن جبهه نفوذی جدید، علاوه بر ملاحظات نظامی، باید راهی را نیز جهت تأمین منابع مالی آن پیدا کند تا بتواند هسته اولیه گروه را در منطقه غرب بگذارد و ادامه آن را به مرکز و شرق ایران و نهایتاً به مرز هندوستان برساند تا شرکت هند شرقی را که یک امپراتوری عظیم اقتصادی دولت انگلستان بود، در معرض تهدید قرار دهد. برای تأمین هزینه‌های این پروژه هم دو راه در پیش روی دولت آلمان بود: تأسیس یک بانک آلمانی در ایران مانند بانک شاهی ایران که انگلیس‌ها در اختیار داشتند، لیکن این روش زمان زیادی را لازم داشت، ب) به کار بردن اسکناس‌های چاپ شده سال‌های ۱۹۱۴-۱۹۰۶ خزانه‌داری امپراتوری آلمان، با اضافه کردن ارقام و حروف فارسی در پشت و روی آن (سورشارژ) و در جریان گذاشتن آنها در بازار ایران برای پرداخت هزینه‌های نظامی خود به منظور ایجاد یک ارتش کوچک در آن نواحی.

امپراتوری آلمان سپس در سال ۱۹۱۵ شخصی را به نام دکتر اسکار وان نیدر مایر (Oscar von Nieder Mayer) که یک ماجراجوی نظامی بود، برای این منظور و سرپرستی و هماهنگی این برنامه در نظر گرفت و او را به غرب ایران روانه کرد. از طرف مقامات نظامی آلمان نیز فیلد مارشال گولت، که از سال ۱۹۰۶ مشاور عالی و بعداً فرمانده ارتش امپراتوری عثمانی (ترکیه) بود، به سرپرستی این پروژه گمارده شد. یک ژنرال دیگر آلمانی به نام ژنرال برس من که نماینده

هدف امپراتوری
آلمان از نشر اسکناس
در ایران، تأمین
هزینه‌های نظامی
یک ارتش کوچک
بود تا بتواند شرکت
هند شرقی را مورد
تهدید قرار دهد.



تصویر اسکناس بیست و پنج قرانی که ۴۰ درصد اندازه واقعی است.



اسکناس‌های
سورشارژ شده
توسط آلمانی‌ها
در واقع، رقیب
اسکناس‌های بانک
شاهی بود که
توسط انگلیسی‌ها
راه‌اندازی شده بود.

از این سفر، به دوره دکترا وارد شد و پایان نامه خود را نیز درباره ایران و آب‌های تحت الارضی و رودخانه‌ها و برکه‌های آن گذراند که بعداً به صورت کتابی نیز منتشر شد.

دکتر نیدرمایر ذاتاً انسانی ماجراجو بود و به خاطر همین خوی ماجراجویی خود به جای تدریس در دانشگاه، به ارتش امپراتوری آلمان پیوست. پس از آغاز جنگ بین‌المللی اول در اوایل سال ۱۹۱۵ به فرانسه اعزام شد. در همین سال، یک سازمان جاسوسی که "سازمان عملیات خارج از کشور" نام داشت، در ارتش آلمان تشکیل شد و خوی ماجراجوی دکتر نیدرمایر او را به این سازمان کشاند و از جانب این سازمان برای تشکیل ارتشی چریکی در غرب ایران با منظور نهایی رفتن به افغانستان و تحت فشار گذاشتن دولت انگلیس که منابع بسیاری در هند داشت، روانه شد.

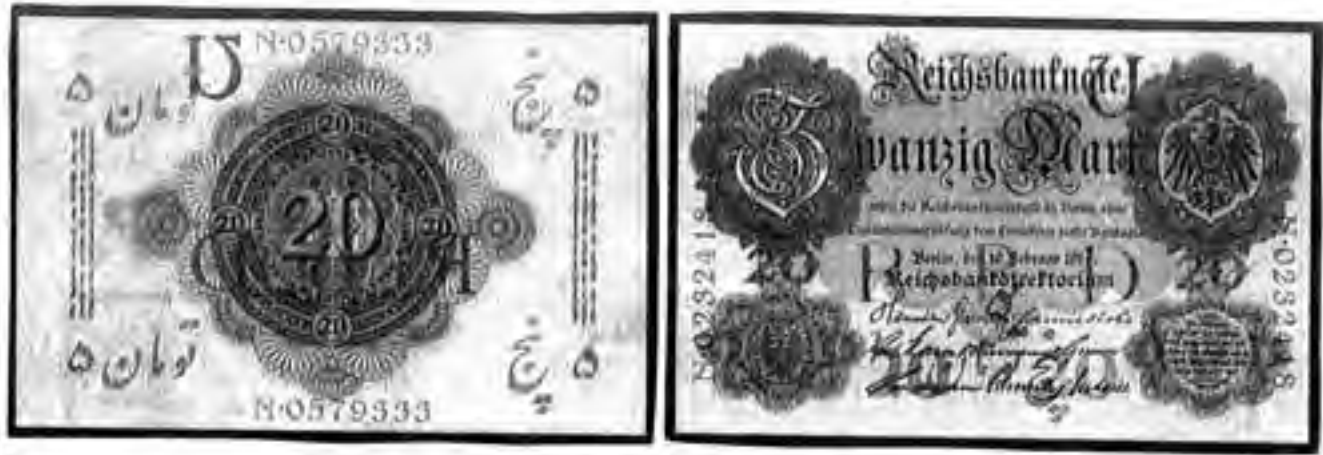
دکتر نیدرمایر در اواخر سال ۱۹۱۵ وارد کرمانشاه شد. قبل از این اعزام، دولت آلمان مقدماتی را در مرکز و غرب ایران از نظر سیستم‌های نظامی و پشتیبانی فراهم کرده بود. همچنین مقدار زیادی اسلحه و مهمات و دستگاه‌های مخابراتی نیز با راه‌آهن تحت پوشش وسایل یک سیرک آلمانی روانه ایران کردند که در بین راه بر حسب تصادف توسط مأموران کشور رومانی کشف شد و دریافتند که در زیر وسایل معمولی سیرک، ابزار جنگی مخفی شده است. در بخارست از گروه‌های آلمانی

بود، به شمار می‌رفتند. گزارش‌های دیگری داریم که دولت آلمان تعدادی سکه نقره ایران را نیز ضرب کرد و به ایران فرستاد. میزان سکه‌ها طبق مدارک خزانه‌داری آلمان حدود ۱۶ میلیون قران بوده است که قسمت عمده این سکه‌ها بعد از شکست امپراتوری آلمان عیناً به آلمان بازگردانده شده است.

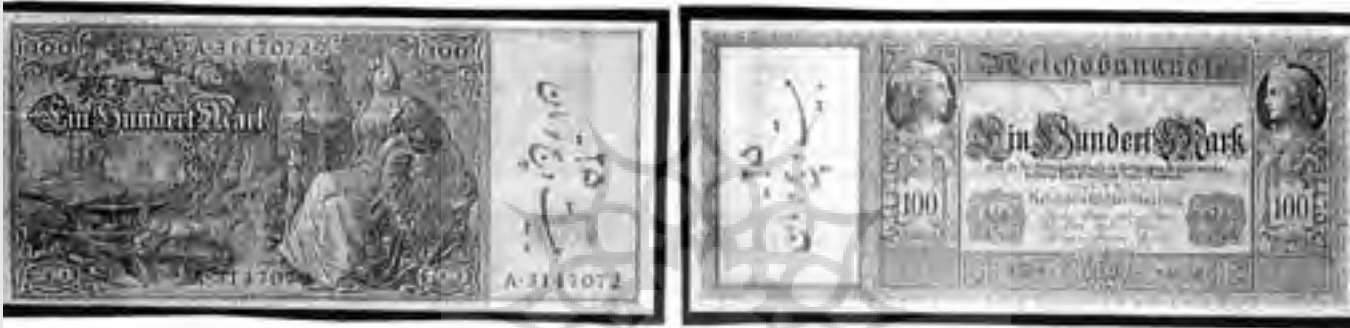
اسکناس‌های مورد بحث که متأسفانه مردم ایران کمتر از آن مطلع هستند، نزد اقتصاددانان اروپایی به اسکناس‌های نیدر مایر مشهور است. بنابراین، پیش از آنکه به جزئیات اسکناس‌ها بپردازیم، شاید بهتر باشد که ابتدا شرح حال مختصری از دکتر اسکار وان نیدر مایر و شرح عملیات نظامی او در ایران - البته تا آنجا که به تاریخ کشورمان مربوط می‌شود - بپردازیم.

دکتر نیدرمایر در ۸ نوامبر ۱۸۸۵ در شهرک کوچکی نزدیک مونیخ به دنیا آمد. او پس از تحصیلات اولیه، به دانشگاهی در ایالت باواریا وارد شد و دوره جغرافیای نظامی را به پایان رساند. علاقه او به زبان فارسی و تاریخ ایران به خاطر آشنایی او با بابیگری و بهایی‌گری بود و خیلی روشن نیست که چگونه او با بهایی‌گری آشنا شده است، اما شواهدی وجود دارد که او حتی مذهب خود را تغییر داده و به آیین بهایی گرویده است. به همین علت، نیدر مایر به آموختن زبان فارسی پرداخت و سپس با بورس تحصیلی دانشگاه خود، به ایران و هند سفر کرد. پس

تصویر اسکناس بیست مارکی که ۵۰ درصد اندازه واقعی است.



تصویر اسکناس صد مارکی که ۳۰ درصد اندازه واقعی است.



ایرانی و سوارهای کرد تشکیل داده بود، عازم افغانستان شد و در آوریل ۱۹۱۶ با تحمل سختی‌هایی در بین مسیر، به کابل رسید. اما ورود او به کابل مانند ورود او به تهران با استقبال همراه نبود و مقامات افغان او و گروه همراهش را در یک اردوگاه نظامی به صورت نیمه زندانی تحت نظر قرار دادند. مأموریت دکتر نیدرمایر این بود که دولت افغانستان راقانع کند تا علیه هند اعلام جنگ بدهد که پذیرفته نشد. به علت عدم موفقیت در کابل و هنگامی که مسجل شد که پیشرفتی میسر نیست، در اوایل سال ۱۹۱۶ آنجا را به سمت تهران ترک کرد و در اوایل جولای ۱۹۱۶ مجدداً به تهران بازگشت. در تهران نیز این بار استقبال شایانی از او و همراهانش به عمل نیامد و مجبور شد که از طریق همدان به کرمانشاه بازگردد، و سرانجام در ۵ سپتامبر ۱۹۱۶ دوباره به کرمانشاه وارد شد. وی در کرمانشاه با نظام السلطنه مافی که از بزرگان آن ناحیه و بعداحکمران آنجا گردید، وارد مذاکره شد. اسکناس‌هایی که در بالا به آن‌ها اشاره شد و بعداً جزئیات آن‌ها شرح داده می‌شود، در این هنگام به مقدار قابل توجهی به شرکت صرافی آلمانی Woun Khaus&Company رسیده بود و طبق دستور دولت مرکزی آلمان قرار شد که به تدریج در اختیار دکتر نیدرمایر قرار گیرد.

دکتر نیدرمایر پس از مذاکرات زیاد سرانجام با

و ابزار و وسایل آنها عکسبرداری شد و در روزنامه‌های آنجا نیز به چاپ رسید، اما آلمان مجدداً همین روش را تکرار کرد و این بار با پرداخت رشوه به مأموران رومانیایی، لوازم مورد احتیاج خود را با همان روش قبلی و تحت پوشش سیرک به ایران ارسال کردند. روشن است که چاپ اسکناس‌های موضوع این مقاله نیز قسمت دیگری از همین عملیات پنهانی بود.

دکتر نیدر مایر پس از توقف کوتاهی در کرمانشاه و انجام کارهای مقدماتی، عازم تهران شد. او که خود را به دروغ نماینده امپراتوری آلمان معرفی می‌کرد، با احترام تمام در تهران مورد پذیرایی قرار گرفت. مردم ایران در آن دوره به خاطر نفرتی که نسبت به روس‌ها و انگلیس‌ها داشتند، ناخودآگاه به آلمانی‌ها روی خوش نشان می‌دادند و آنها را دوست خود می‌دانستند، اما تهران در آن زمان در حوزه عملیاتی روسیه تزاری قرار داشت. انگلیس‌ها نیز نفوذ فوق‌العاده‌ای در بین دولتمردان قاجاری داشتند. به همین علت، دکتر نیدرمایر به مقامات ارشد کشور که دوستدار آلمان‌ها بودند، پیشنهاد نمود که پایتخت ایران، از تهران به اصفهان منتقل شود.

مأموران اطلاعاتی روس و انگلیس به زودی از جزئیات مأموریت دکتر نیدرمایر آگاه شدند و تحرکات از هر سو آغاز گردید. او پیش از آنکه در تهران مشکلی جدی پیش آید، با ارتش کوچکی که از سربازهای ترک و عراقی و داوطلبان

بخش عمده‌ای از ۱۶ میلیون قران ضرب شده توسط آلمان‌ها، بعد از شکست امپراتوری آلمان در جنگ جهانی اول، عیناً به آلمان بازگردانده شد.



الف) اسکناس پنج مارکی: روی این اسکناس به خط فارسی شکسته و به رنگ قرمز، عبارت دوازده قران و ده شاهی و در پایین اسکناس عدد ۱۲ قران و ۱۰ شاهی چاپ شده است. پشت اسکناس نیز در میانه جمله دوازده قران و ده شاهی به خط قرمز شکسته مشاهده می شود.

ب) اسکناس ۲۵ قرانی: در دایره روشنی که روی این اسکناس ها وجود دارد، با حروف، عبارت بیست و پنج قران به چشم می خورد و در پشت اسکناس نیز در همان دایره روشن، عدد ۲۵ قران و در گوشه دیگر نیز عبارت بیست و پنج قران همگی با رنگ قرمز و با خط شکسته چاپ شده است.

ب) اسکناس ۲۰ مارکی: روی این اسکناس و در قسمت پایین آن عدد ۵ و زیر آن به خط نستعلیق عبارت پنج تومان و پشت اسکناس نیز در چهار گوشه، چهار بار عدد ۵ و در کنار عدد ۵ سمت راست واژه پنج و در کنار عدد ۵ سمت چپ واژه تومان در بالا و پایین چاپ شده است.

ت) اسکناس های ۱۰۰ مارکی و ۱۰۰۰ مارکی: این اسکناس ها به علت ارزش بالا در آن زمان قابل استفاده نبودند و در جریان قرار نگرفتند. این نمونه های منحصر به فرد، هم اکنون در موزه برلین موجود است. روی و پشت اسکناس ۱۰۰ مارکی در مربع روشن عدد ۲۵ و عبارت بیست و پنج تومان و اسکناس ۱۰۰۰ مارکی عدد ۲۵۰ و عبارت دویست و پنجاه تومان و در پشت همین مطلب دوبرار در دو طرف آن همگی به خط نستعلیق خوب و بزرگ چاپ شده است.

همانطور که یادآوری گردید، فقط سه اسکناس اول در جریان قرار گرفتند و تعدادی از آنها هم هنوز موجود است و تعدادی نیز ظاهراً در انباری موجود بوده است که دچار حریق شده و آثار سوختگی در اطراف اسکناس ها دیده می شود و به اسکناس های سوخته آلمانی معروف است که تعدادی از آنها را می توان با همین آثار سوختگی در بعضی از کلکسیون ها سراغ گرفت.

در این مقاله، بحث ما بیشتر بررسی یک واقعه اقتصادی است و امید است که تاریخ نگاران گرامی نیز برای روشن شدن این بخش تاریخ از تاریخ میهنمان، پژوهش های بیشتری را انجام دهند.

نظام السلطنه مافی به توافق رسید که در ازای پرداخت ۴۰۰ هزار مارک، لشکری از سربازان بومی برای او تشکیل دهد که با سربازان ترک و سربازان عراقی و مشاورانی که آلمان فرستاده بود، ارتش نسبتاً مجهزی تشکیل شود. اما پیش از آنکه این ارتش پا بگیرد، از شمال و جنوب مورد حمله های متناوب سپاه روسیه و انگلیس قرار گرفتند. در بین سواران بومی که دکتر نیدر مایر تجهیز کرده بود نیز به هیچ وجه، روحیه وفاداری نسبت به این عملیات وجود نداشت و پس از آغاز جنگ سربازان کرد در پشت تپه ها به تیراندازی هوایی بی هدف پرداختند و سپس صحنه را ترک کردند و پروژه دکتر نیدر مایر در همان ابتدا با شکست روبرو شد. در همین موقع فرمانده ارتش آلمان در ترکیه و عراق، یعنی فیلد مارشال گولت نیز مبتلا به بیماری تیفوس شد و درگذشت. فوت ناگهانی فرمانده ارتش آلمان در منطقه که در اواخر سال ۱۹۱۷ اتفاق افتاد، باعث از هم گسیختن ارتش آلمان در ترکیه و عراق شد و دکتر نیدر مایر نیروی پشتیبانی خود را از دست داد. در همین ایام آثار اولیه شکست آلمان نیز در اروپا و آفریقا به تدریج ظاهر می شد. بنابراین، امپراتوری آلمان پروژه ایران را به کلی منتفی تلقی نمود و دکتر نیدر مایر را به آلمان باز خواندند.

اما درباره اسکناس های آلمانی آنچه نزد صرافان Woun Khaus&company موجود بود، فوراً به آلمان برگردانده شد، ولی مقدار زیادی از این اسکناس ها در شهرهای مختلف ایران، به خصوص در همدان و کرمانشاه، در جریان قرار گرفته و در دست مردم بود. بنابراین، سفارت آلمان در ایران و همچنین شرکت صرافی فوق الذکر تصمیم گرفتند که با وارد کردن مقداری مواد اولیه زندگی و تحویل آنها به مردم، اسکناس ها را از مردم پس بگیرند، ولی موفق به جمع آوری کامل اسکناس ها نشدند. البته مقدار اسکناس هایی که نزد مردم باقی ماند، از دو تا سه درصد کل اسکناس ها تجاوز نمی کرد که امروزه آنها را در کلکسیون ها و موزه های مشهور جهان می توان یافت.

اینک شرح اسکناس های آلمانی که در ایران مورد مصرف قرار گرفت:

منابع این مقاله در دفتر مجله موجود است.